

بگوید از کی سوال شود ۱۱
از هست دولت که بوج مصلحت مشرک دارد ۶۱
از شخص رئیس دولت از وزیر جنگ از رئیس ستاد امنیت از شاه
بگوید مشغول کیست ۹
با اینکه گفت شود اصل اختیاری مریب و پاچال لشکری ها قالب سوال و
استخراج نیست.
هر چه دلخواه جواب بدیده
بسایر جواب تهدید از خودتان بررسید پس از خودتان هم جواب بدیده
راست مکوید بهایم در این باب تکلیف یک ملت چیست ۱۰
مردم چه کنند سطل چه کاره است ۱۱
چطور ممکن است بک ملکی باستان اصلی از قانون اساسی حکومت
ملی خود را برای هیئت تدبیر مفوی عنوان فرمایی با این قدر
دانست و لشکریان را در اثر سلطه شاه بر آنها قادر بر اعمال هر روند نسبت به
خود بشناسد ۱۲
این با حفظ استدلال خود که بلا استنای باین موضوع هم ارتباط دارد
اصل جهل و هست را از فعل حقوق ملطفت ایران در قانون اساسی و اصل «حدو
چهارم را از فعل شدن در قانون اساسی و باز هم اصل هد و هست را از فعل
شدن از قانون اساسی تقلیل و از خودمان سوال پیکیم اگر اصل انتخابات فرمان
فرمایی قانون فقط تشریفاتی بناشد ملود ۱۳ بر طالب گفتگه نموده این سه اصل در
کجا باید ظاهر خود.
اصل ۴۷ «اعطای درجات انتظامی و نشان و امتیازات انتظامی با
هر اعاعات قانون مختص شخص پادشاه است»
تصویبد از عبارت «با عوایعات قانون» چیست ۱۴
اصل ۱۰۴ «تریک گرفتن شدن را قانون مین میتواند تکالیف و
حقوق اهل نظام و ترقی اداره نامناسب بمحض قانون است.
عبارت تکالیف و ترقی آن اصل را این «بوج قانون است» در نظر گرفته
۱۵ چه جزوی باقی میماند که او جعله انتقام از این بر کار باشد
اصل ۱۰۷ را هر چه سوم تکرار میکنیم «حقوق مناسب و شروط اهل
نظام سبل نیشود مگر بحکم قانون»
این اصل حصر یک تقدیر را برای قانون در مورد اهل نظام با عمارت
ستلزم نمی و سبل آن قدرت از دیگران انجام داده است.
کاش او قوای که در راه این گونه اکثار بی قیمت پیدا میگفت صرف
سطله در بدست آوردن طرق صحیعی شد که خوش بولید کشکش های
داخلی ایجاد میست و سلا کند.
کاش این ما حکمه مبالغه بالات خود را میکنند لذت دوست و پاکش
و یک روزی و هدایتی و همکاری با مردم را چیزی.
کاش هم بیز خود را فراموش و سه بازی شاق و چالوسی یک مشت شکار چیزی و غای
کاش ظاهرات و سه بازی شاق و چالوسی یک مشت شکار چیزی و غای
ماه در آنها موثر نکشند و بدوی بجهت خودهان آتش اشغال راهنمایی
این ها همین دشنان دوست نه همین خودهان اشیوهای و منانع خصی
خود که برای دستالی فرمایه را آتش بروند و چن که شبا در غاه و خاندان
تکین خود بساط هوس رانی را از تروت های سشار طلبی خود من گشته
و گفت زنان و بای کوبان جشن مریمه خود را میگردید ۱۶
هیعنی ها بر خلو و بیوار کی همانهایی که این نالاین های بین ها مانند را
بال و پر داده و بیان مردم اندانسته اند خوش حق شناسن خنده و تفسیر میکنند
میکنند است در میان همایه هایی و تصنیف خوان آنها با گوش دل شنید
که من خواهند
(او مطلعه برد و دیگری زد)
گر چه از هم زد زد ولی زر برای آشیان بدنی و روحی است هر
به تروت نیست
هر چه بجهیزت در قلوب مردم است هر در این است که شخص فردی
از افراد یک ملت آسوده ازاد مستقل باشد.
آیا این طور نیست ۱۷
منته حاضر نیست دوباره بالاوضع گذشت روی و شوم
آیا شما حاضرید ۱۸
حتما حاضر نخواهید شد.
هست کنید مردانه بکوشید و تن بزیر پار مذلت ندید
خدا پشتیبان شما

آنکه مرآید

چونکه برای هر کت در مراقبه سیویات تاریخ ۲۸۰ و ۲۲۰ و ۲۰۰ و ۱۸۰ و ۱۶۰
تا پال تراپانی ترسیده است لذا مراقبه مزبور دوشه ۳۰۰ و ۲۵۰ و ۲۰۰ تهدید داده
نی شود ۱۹

را بالعن شدیده بود در این متن شنیده و هست سلیمان فرانسه در برلن دستور
داده شد بدولت آشان سخت اندیش نیاید.
اندامات میانه دولت فرانسه هیتلر را میبور کرد که از هشتم خود
صرف نظر کند و طبق ایالاتی که از طرف هیتلر و سفر فرانسه مفتر کانتشار
بات اعلام شده بود که آلمان در نظر دارد بیرونی برآش از این دارم بوج
هیعنی اهلی مفترک سند بر این هیتلر از طرف و بدان تصدیق گردیده اندار چیزی
فرانسه غورا همین سلطک را مستنک فرادر داده و بیرون را متمم چیزی فرانس
بینک آلمان بوده که بقولشان میخواسته است بینن خودهان (خوبی) بولشویک
و ادر اسپایان اینکه داده اوضاع سیاست خارجی فرانس در ۱۹۳۷ باشته جای
مراکش قریب آدمان بود هیتلر متوجه شم چنک اسپایان و نفع فرانکو بوده ولی
استهنه آذای خواهان اسپایان در مادرید که معمور را پایه اندیش
در او اوضاع داخله هم بجهه توده و اتماد فرانس و خواروی هدف اسپای
اسپایان را تشکیل میاد و رادیکال موساییانها را پسرانه میکنند
اتحاد بین سوساییانها و رادیکال موساییانها و این اتفاقی نیز
موساییانها و کویینها اینجا که نظر آنها موقع شنیکل (کاینے تلسی)
تحت ریاست دو مرک و لاوال هنوز فرا رسیده و از این چهت هنوز تبلیغاتی
برای شعار خود و شایان کان لاوال بیان نیشودند و از آن جاییکه لاوال
و اطرافیان هنوز هم مظہر تفر و از جهان توده بود میخواستند
امر موجب استهنه و قوت چیز بود شد.
پس صلاح در این بود که مقدمه کاینیه رادیکال موساییانها از شاه
آید زیرا این کاینیه پس از تفاوت روابط با سوساییانها غلامرا کاینیه دست به
بود ولی اطیع در پارلیان باز از این بود استهنه کی خواهد شد.

هم قانون حسوی یک ملت شناخته میشود ۲۰
و غالبا شیری است بی سرتور دم
اصل ۹۷ «در مواردی میانی هیچ تفاوت و امتیازی غیرایین افراد ملت
گذارد خواهد شد»
مثل اینکه و اینچنین قانون اساسی از تبعیض قانون مالیات بر از این و سایر
قواین امثال آن و تبعیض های رایه از گردش باشد میتواند بوده و این اصل
را مقصود باز هم اینست که ملکت نیسته ۲۱
آیا شاه و خاندانش خدای شفایت از افراد این ملکت نیسته ۲۲
حالاکه هسته هزار در مالیات قانون برارت برخلاف نس صریح این اصل
قانون اساس از برداخت مالیات برارت مستثنی شد ۲۳
این است سه روک و فقار میباشد و میباشند که شاید کان آن را میباشند
و از وکالتی میکنند تشكیل شده و یا شده.
اصل ۱۰۷ «حقوق و مناسب و شرتوان اصل نظام سبل نیشود مکر
بیکم قانون آنها کجا مانگند ۲۴
آنها چه بگفتند ماجه میگویند ۲۵
قانون اساس یعنی چه ۲۶
این چه لذت و ترکیب است ۲۷
یک مرتب دیگر این اصل ۱۰۷ را بخواهیم
«حقوق و مناسب و شرتوان اهل نظام سبل نیشود مکر بحکم قانون»
ملت ایران ۲۸
نویسنده بوجود ساحبان اتفاقی که در آن موقع ایران این قانون اساسی
را اینوان هم و مکمل نوشت و بدمت تو داده اند بیانات کنی.
این قانون هم و از کشوری و لشکری از اعمال تاذیتی از شاه تا شیف
ترین فرد مسلط در پناه اینست قانون همی کشیده
بای آنها میدیند که لان یاده اند و یا لان شاهزاده یا لان هزاره یا لان خان
پسا لان خواجه حرم سرا، لان خانم در باری با لان مشهود آن خان
می تواند حله به شدن ظانی ها کرده حقوق و مناسب آنها را فدا ایال و
هوی و هوس خود نمایند و این هم اینست قانونی را از سایهان که قوای
ملکت بودند میگردید این اصل را نوشتند برای اینکه هم مردم
دو سایه یک قانون زندگانی کرده و در وحشیت سبزی را هم از شاه تهدید
واگر زیر مسئول است دستخط شاه قطع شریعت است
خوب توجه باشیم که بوج این اصل ایال یا ماده میگذرد
حواله اصل ۴۴ را که درست ۲۹ بد اصل یالا که اصل ۴۰ بودهاید.
اصل ۴۵ «کایه قوانین و دستخط های پادشاه در امور ملکتی وقتی اینها
می شود که بامضای وزیر مسئول درسته باشد و مسئول صحبت آن فرمان و
دستخط هایان و وزیر است»
خواندهم چه میگوید ۳۰
میگوید این در اتفاقی وزیر مسئول است دستخط شاه قطع شریعت است
و اگر زیر مسئول اینه نگردد آن هم از دستخط لایان و غلط ایال و اجر ایال شود
خوب توجه باشیم که بوج این اصل ایال از های باری ایال بارشانه هم در
سوری قابل اجرا است که بامضای وزیر مسئول باشد والا نلا
بیار و وزیر مسئول توجهی که میگیریم بین با آنکه مسئول مسئول ملکه میگذرد
هم از لحظ امور ملکتی کالم بدانسته است چون مسئول نیست
اصل ۵۷ «اختیارات و اقتدارات سلطنتی قطع هان است که در قوانین
مشروطت حاضر تصریح شده»
آیا مخفول ترجیح لفات معمولی را پیش میگیریم قطع که میگذرد
و عبارت (که در قوانین مشروطت حاضر تصریح شده) بیشین میگیریم
و همین است پیشین سلاح قاطع و دفاع ایجاد نمایند است
و راه تجاوز بحقوق ملی را بفرمایند و مقابله بست و بیرای منع تجدید خودسری
و دیگر ایالی آن دا در اختیار ملت گذاشت است
ولی شیرین پکار برند میخواهد و رقم را علی ایام است
درینا که تهمه ایان این میان قطف چیزی ایکه میگذرد
خوب یا بد یکی بد از دیگری در این دوره بسته ایان چین و ازین بودهند
کاش آنها که در ایال جو و لینق دروازه
برای هیچه بدانند که (الباطل جو و لینق دروازه)
کاش بینهند که خلی حقیقی با امثال هر چندیز و کرم خان زد است
کرم خان آن پادشاه عظم الثان انتقام بگیرند که و کیل مردم باشد نه
مالک رفاب آنها او خلی پیش از کوتنا این اصول را زیاد خواهند ایم و برای حفظ آن
میازده ایم ها کرده ایم حالا باز هم میخواهیم
و اقا کار بکجا کنید ۳۱
گرفتار و در دریا باشند هم ایم که از فرق بدامت و صراحت مشکل است
بلات صریح تری برای توضیح آن انتقام کرد ایان
اصل ۶۳ «وزراء نیتوانند احکام شفاهی یا کنی شاه را مستسک قرار
داده سبل مسئول از خودهان بگیرند»
کاهکی همه از شاگردان دستان های اندیش بعثرا بطور فرموده دعوه
میگردید و این اصول را در مرغ شفیض طیبی نمی ساده آنها قاره میدادیم
آیا غیر این میتوان فهمید که شاه مشروط حق ندارد در امور ملکتی
شفاهی و کیا مداخله ناید و اگر او بدل خواهد بگردید و بتوسیعی است
و چیزی باید که همچوی میگیرد و مجدد مسئولیت خان میتواند
برای اینکه مداخله و مسئولیت قطعاً تلازم دارد.
زیرا قواعد و قوانین ملکی در سکم ذیجهی است مریب و هم و روی

روز روشن

بیه از منه ۱

یاده و هست کنید قوت اراده و استحلال قضاوی خود را حفظ کرده و تحت
تائید خود قانونی قرار نگیرند.

شما آزاد و شجاع باشید تا ملت شایتم باشانی اینست قضاوی و درین تو
همیت خودی شما آزاد و شجاع باشد.

اصل ۴۴ «شخص پادشاه از مسئولیت میری است و وزیر ای دوست
در هر گونه امور مسئول مجلس هستند» بیان شاه مسئول نیست چون نیست
پست و مسئولیت فرع مداخله است

اگر مقصود از عدم مسئولیت این باشد که گفتم بین این طور بایدشند
متلا بکوین پادشاه مشروطه مسئول نیست بین هر چه میخواهد بگند اواز
مسئولیت میری است

آیا این طور است ۳۲
ملت ایران آن هم خدا کاری کرد مشروطه گرفت که پادشاه دیگران را
دافت باشد و شاه خود را از مسئولیت های مادی مسئول دوره های استندادی
هم خلاص کرده و بر منته خدای آنهم خدای «نمود باقه» ظالم بشاند.

آیا این تبیین پادشاه مشروطه میتواند بینه بگیرد بدوره
چهاید بفرموده، به بعده مداخله کند نظر بدهد دستور صادر کند و مستقله فعال باشد
آنثی بر دستورات خود باشد ۳۳

عذای اهل این طور نیست
از یکی از این خوش مطاعی نیست
با این است یا آن بگوید کدام است ۳۴

حالا اصل ۴۵ را که درست ۳۵ بد اصل یالا که اصل ۴۰ بودهاید.
اصل ۴۵ «کایه قوانین و دستخط های پادشاه در امور ملکتی وقتی اینها
می شود که بامضای وزیر مسئول درسته باشد و مسئول صحبت آن فرمان و
دستخط هایان و وزیر است»

خواندهم چه میگوید ۳۶
میگوید این در اتفاقی وزیر مسئول است دستخط شاه قطع شریعت است

واگر زیر مسئول اینه نگردد آن هم از دستخط لایان و غلط ایال و اجر ایال شود
خوب توجه باشیم که بوج این اصل ایال از های باری ایال بارشانه هم در

بیار و وزیر مسئول توجهی که میگیریم بین با آنکه مسئول مسئول ملکه میگذرد
هم از لحظ امور ملکتی کالم بدانسته است چون مسئول نیست

اصل ۵۷ «اختیارات و اقتدارات سلطنتی قطع هان است که در قوانین
مشروطت حاضر تصریح شده»

آیا مخفول ترجیح لفات معمولی را پیش میگیریم قطع که میگذرد

و عبارت (که در قوانین مشروطت حاضر تصریح شده) بیشین میگیریم
و همین است پیشین سلاح قاطع و دفاع ایجاد نمایند است

کاش آنها که در ایال جو و لینق دروازه
کاش بینهند که خلی حقیقی با امثال هر چندیز و کرم خان زد است

کرم خان آن پادشاه عظم الثان انتقام بگیرند که و کیل مردم باشد نه
مالک رفاب آنها او خلی پیش از کوتنا این اصول را زیاد خواهند ایم و برای حفظ آن
میازده ایم ها کرده ایم حالا باز هم میخواهیم

و اقا کار بکجا کنید ۳۷
گرفتار و در دریا باشند هم ایم که از فرق بدامت و صراحت مشکل است

بلات صریح تری برای توضیح آن انتقام کرد ایان
اصل ۶۳ «وزراء نیتوانند احکام شفاهی یا کنی شاه را مستسک قرار
داده سبل مسئول از خودهان بگیرند»

کاهکی همه از شاگردان دستان های اندیش بعثرا بطور فرموده دعوه
میگردید و این همچوی میگیرد و مجدد مسئولیت خان میتواند

آیا غیر این میتوان فهمید که شاه مشروط حق ندارد در امور ملکتی
شفاهی و کیا مداخله ناید و اگر او بدل خواهد بگردید و بتوسیعی است

و چیزی باید که همچوی میگیرد و مجدد مسئولیت خان نیست
برای اینکه مداخله و مسئولیت قطعاً تلازم دارد.

زیرا قواعد و قوانین ملکی در سکم ذیجهی است مریب و هم و روی

اگر آندره سیمون
مسیلین شکست جمهوری سوم

جبهه قوه

-۳۶-

مطلب پس از ازورود ایطالیا بینه در شاه فرمانه منتشر شد موسولینی پس
از مراججه چنان از بن انتظام خود روز بین رانفسن میری در مطلع خود

در میلان استهله تند و دلخواه ایطالیا بینه بینه دیده ایطالیا بازی میگردید
چنانه که اینها میگردید که شاه مشروط حق ندارد در امور ملکتی

و خبرهای اینه بینهند که اینها میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید
میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید

میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید
میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید میگردید

